روزنامه صبح ایران
وطن امروز
VATANEMROOZ.IR

چهارشنبه | ۱۹ مهر ۱۴۰۲ | ۲۵ ربیع‌الاول ۱۴۴۵ | ۱۱ اکتبر ۲۰۲۳ | سال پانزدهم | شماره ۳۸۷۴ | ۸ صفحه | ۳۰۰۰ تومان

| ۱۱۸۶ سال و ۱۷ روز گذشت |

VATAN-E-EMROOZ | VOL.15 | NO.3874 | WED.OCT.11, 2023 | ISSN:2008-2886

در پی تجاوز مجدد رژیم صهیونیستی به جنوب لبنان
حزب‌الله با موشک کروز یک تانک اسرائیلی را منهدم کرد

جبهه شعله‌ور شمال

با اذعان رژیم صهیونیستی به هلاکت ۲ نظامی خود در درگیری‌های روز دوشنبه، کشته‌های ارتش صهیونیستی در مرز لبنان به ۴ نفر رسید

صفحه ۷

رهبر انصارالله یمن: اگر آمریکا مستقیما وارد جنگ فلسطین شود، ما با موشک و پهپاد در آن شرکت می‌کنیم

با مقاومت هماهنگیم

صفحه ۷

رهبر انقلاب در مراسم مشترک دانش‌آموختگی دانشجویان دانشگاه‌های افسری نیروهای مسلح با اشاره به اذعان همه جهان به شکست رژیم صهیونیستی در عملیات توفان الاقصی تأکید کردند

شکست ترمیم‌ناپذیر صهیونیست‌ها

صفحه ۵

تیترهای امروز

جنایت جنگی علیه غزه

غزه بدون آب؛ بدون برق؛ غرق در خون

- شمار شهدای حملات رژیم صهیونیستی به ۸۳۰ نفر و زخمی‌ها به ۴۲۵۰ تن افزایش یافت
- عفو بین‌الملل: قطع آب، برق و سوخت غزه مصداق تنبیه جمعی و جنایت جنگی است
- سازمان ملل: بیش از ۲۰۰ هزار نفر از ساکنان غزه آواره و بی‌خانمان شده‌اند

شهادت ۶ خبرنگار فلسطینی در غزه

توفان ادامه دارد

- کماندوهای حماس و جهاد همچنان در شهرک‌های اشغالی حضور دارند
- شلیک گسترده موشک و راکت به عسقلان
- رونمایی قسام از موشک جدید «توفان»
- حماس: ۴۰ هزار رزمنده در نوار غزه داریم
- تلفات صهیونیست‌ها از ۱۰۰۰ نفر گذشت

آمریکا و اروپا: سندی مبنی بر دخالت ایران در عملیات توفان الاقصی نداریم

همان مقاومت فلسطین کافی است

پس از ۴ روز سکوت، مولوی جنجالی در توئیتی مواضع دوپهلو درباره جنگ غزه گرفت

از عبدالحمید به نتانیاهو

صفحات ۲ و ۷

یادداشت روز

مقاومت زنده به آگاهی تاریخی

یونس مولایی: ۱- قاب دوربین نسبتا ساکن است، پدری در نقطه کانونی تصویر ایستاده و نوزادش را نوازش می‌کند؛ می‌گوید «همه‌مان فدای مقاومت»، گویی از مقاومت یک لالایی برای فرزندش ساخته است. دست به کمر نوزاد می‌کشد، می‌گویم احتمالا از پس صدای انفجار و ترس، قصد آرام کردن کودک را دارد. دوربین هنوز ثابت است و مرد می‌گوید: «همه‌مان فدای مقاومت»؛ مرد حرکت می‌کند و جلو می‌آید، از فیلمبردار جلو می‌زند، دوربین به سمتش می‌چرخد و صورت پسرش در قاب می‌افتد. سیمای خونین نوزاد معصوم، کانون تصویر می‌شود. می‌گویم احتمالا زخم زیادی برداشته است و پدر دنبال یک تخت در بیمارستان است. ظنم چیز دیگری می‌گوید اما اعتنایی به آن ندارم، پدر هنوز در حال تکرار جمله «همه‌مان فدای مقاومت» است که جسم پسر را بالا می‌آورد، سر که به سبکی در هوا رها می‌شود، هیچ دلیلی برای نه گفتن به آن ظن نیست. اینها لالایی خواب نبود، روحیه دادن به کودکی زخم برداشته نبود. پسر، جان داده بود و پدر، میوه بهاران ندیده عمرش را با رجز به بهشت بدرقه می‌کرد و می‌گفت: «همه‌مان فدای مقاومت». بیش از این تاب دیدن نیست، گویی تمام تاریخ فلسطین را در چند فریم دیده‌ام. فرزندانی که در خون می‌غلتند، آرزوهایی که ناتمام می‌مانند و مقاومتی که مستدام است، چه به لالایی، چه به دلداری و چه به هنگام خاکسپاری. گویی این قاب کوچک که گاه ساکن و گاه لرزان بود، تمثیلی از تاریخ فلسطین است. غم‌انگیز همچون داغ ابدی جنایت اشغالگران، آشنا بسان تداوم سرکوب‌ها و باشکوه چون مقاومتی که پس از هر حمله جوانه جدیدی بر این خاک می‌زند.

۲- عملیات «توفان الاقصی» آغاز عصر جدیدی برای مقاومت اسلامی در فلسطین بود. مقاومتی که تاریخی‌ترین ضربه خود را به گیجگاه غاصبان زد. ابتکار تهاجمی این حمله که به غافلگیری سیستم اطلاعاتی - امنیتی رژیم صهیونیستی منتهی شد، آغاز فصلی بود که در آن مقاومت از جریانی واکنشی تبدیل به یک بازیگر تعیین‌کننده شد. عمق ضربه‌ای که گروه‌های مقاومت فلسطینی به رژیم صهیونیستی وارد کردند، با سرخوردگی فرماندهان نظامی رژیم همراه بود. در عین حال اعتماد به نفسی را به نسل جدید مقاومت هدیه داد که نشان آن را پس از این در دیگر عملیات‌های آزادی‌طلبانه باید یافت. در پس تمام ابتکارات نظامی و امنیتی اما آنچه در حاشیه این عملیات به چشم آمد، پشتیبانی تمام گروه‌های مبارز و جامعه فلسطین از این حملات بود، به گونه‌ای که کمترین دوره‌ای از تاریخ را می‌توان پیدا کرد که چنین اتحادی در میان هسته‌های مقاومت فلسطین شکل گرفته باشد. فلسطین حالا ۷ دهه تجربه و تاریخ مبارزاتی را با خود به همراه دارد. تجربیاتی که از ائتلاف با دولت‌های عربی و تشدید ناسیونالیسم عرب تا پیمان صلح را می‌توان در آن یافت؛ تجربیاتی که هیچ‌کدام به موفقیت مقاومت اسلامی نرسید. همراهی با جریان‌های اسلامی که تا چند سال پیش به نوار غزه محدود بود، حالا به کرانه باختری نیز رسیده است، تا جایی که عمده عملیات‌های شهادت‌طلبانه سال‌های گذشته مربوط به جوانانی بود که در کرانه باختری عضو گروه‌های مقاومت شده بودند.

۳- فلسطین امروز در نقطه‌ای ایستاده است که هیچ گزینه آزموده‌نشده‌ای را برای جنایتکاران اشغالگر باقی نگذاشته است. صهیونیست‌ها در این سال‌ها تمام جنایت‌های ممکن را علیه فلسطینی‌ها مرتکب شدند. آنها حتی امید به زمان داشتند تا با گذر زمان، وابستگی به مفهوم فلسطین در میان نسل‌های جدید که از وطن‌شان جز ویرانی و مرگ چیزی ندیده‌اند، ریشه‌کن شود. با این حال اکنون در هشتمین دهه مقاومت فلسطین برای پاسداری از موجودیت وطن، نسل جدید شجاع‌تر و مصمم‌تر از پدران خویش برای آزادی قدم برمی‌دارد. نسلی که در پس تجربه انتفاضه به این باور رسید که می‌توان به سلاح جان هم که شده از آزادی پاسداری کرد. موقعیت امروز فلسطین و دست برتر مقاومت در تعیین زمین بازی بیش از آنکه در نتیجه تقویت قدرت دفاعی مقاومت به دست آمده باشد، ناشی از «آگاهی تاریخی» فلسطینیان نسبت به تنها گزینه‌ای است که آنها را موجود نگه می‌دارد. تجربه شکست جنگ‌های عربی و دست‌های خالی پس از تسلیم در اسلو به فلسطینیان نشان داد همین قلمرو را نیز تا زمانی می‌توان حفظ کرد که دست‌های پر و جان‌های آماده‌ای برای جنگیدن داشته باشند. آنچنان که اهالی غزه بعد از موفقیت عملیات «توفان الاقصی» با شناخت کامل از مشی صهیونیست‌ها و بمب‌هایی که قرار است بر سرشان فرود آید، جشن پیروزی گرفتند و از مقاومت قدردانی کردند؛ جشن و پاسداشتی که نشان از آگاهی جمعی آنها نسبت به گزینه برنده مقاومت داشت.

۴- بار دیگر به چشمان پدر خیره می‌شوم؛ در سخت‌ترین ثانیه‌ای که می‌توان در تقدیر برایش متصور بود. فرزندی که به خواب سنگین مرگ رفته است را نوازش می‌کند و می‌گوید: «همه‌مان فدای مقاومت»؛ او سیمای راستین همان آگاهی دشمن‌شکنی است که تمام هیمنه اشغالگران را در مقابل دیدگان جهانیان شکست داد. در همان ساعات نخستین پس از عملیات «توفان الاقصی» بود که ابوعبیده، سخنگوی قسام خطاب به اشغالگران گفته بود: «ما تصمیم گرفته‌ایم که یکبار بمیریم به جای هر روز مردن». گویی هیچ زمانی فلسطین همچون امروز به این جمله ایمان ندارد، آنها به سلاح مرگ برای به دست آوردن زندگی مجهز شده‌اند.

دریچه

حراست از حماسه فلسطین

مرتضی اخلاقی: ایران همواره حامی فلسطین بوده و این موضوع را بارها به صورت علنی اعلام کرده است. مقامات ایران در عالی‌ترین سطح نیز همواره به این مهم تاکید کرده‌اند که نه تنها از فلسطین و آرمان آزادی قدس شریف حمایت می‌کنند، بلکه نسبت به تجهیز رزمندگان فلسطینی نیز اقدام کرده و می‌کنند. جریان مقاومت اسلامی در منطقه غرب آسیا نیز در راستای آرمان آزادی قدس بنا نهاده شده و اکنون تبدیل به مهم‌ترین واقعیت تاثیرگذار در منطقه شده است بنابراین در حمایت ایران از مقاومت فلسطین هیچ تردیدی وجود ندارد و جمهوری اسلامی ایران همواره با سربلندی این موضع خود را اعلام کرده است.

قطعا و بدون تردید تقویت جریان‌های مقاومت فلسطینی همواره از راهبردهای جبهه مقاومت بوده است. چه به لحاظ سیاسی و دیپلماتیک، چه به لحاظ حقوقی در مجامع بین‌المللی و چه به لحاظ تجهیزات و ادوات دفاعی، جمهوری اسلامی ایران بنا بر وظیفه انسانی و اسلامی خود دست مقاومت فلسطین را پر کرده است و در ادامه نیز این حمایت‌ها در همه ابعاد ادامه خواهد داشت.

یکی از بزرگ‌ترین واقعیت‌ها و پیام‌های حماسه ۱۵ مهر، رونمایی از مقاومت فلسطین به عنوان یک قدرت بزرگ و مجهز و اثرگذار است. یکی از شکست‌های بزرگ اسرائیل همین آشکار شدن قدرت اثرگذاری حماس و جهاد اسلامی است. مقاومت فلسطینی ۱۵ مهر یک ضربه کاری و غیرقابل جبران به حیثیت صهیونیست‌ها زد و شکست‌ناپذیر بودن ارتش صهیونیست‌ها را برای همیشه به یک ادعای گزاف و خلاف واقع تبدیل کرد. شکست اطلاعاتی صهیونیست‌ها و استحکامات سست آنها در مقابل جبهه مقاومت فلسطین نشان داد تعبیر اسب بازنده برای صهیونیست‌ها، برآمده از فهم واقعی از وضعیت رژیم غاصب صهیونیستی است. رژیم صهیونیستی در مقابل این شکست بزرگ، مدعی شده است حماسه ۱۵ مهر توسط ایران برنامه‌ریزی و فرماندهی شده است. این ادعا از آن جهت مطرح شده که اولا ضعف‌های نظامی و شکننده بودن ارتش غاصب را بپوشاند و ثانیا تلاش کند مانع تثبیت این واقعیت شود که آنها در مقابل مقاومت فلسطین متحمل چنین شکست مفتضحانه‌ای شده‌اند، ضمن آنکه صهیونیست‌ها با این ادعا دنبال ایجاد یک ائتلاف بین‌المللی برای مقابله با ایران هستند.

اشارات روز گذشته رهبر حکیم انقلاب مبنی بر اینکه حماسه ۱۵ مهر توسط خود فلسطینی‌ها طراحی و اجرا شده است؛ دقیقا در راستای مقابله با همین راهبرد صهیونیست‌ها است. این خود فلسطینی‌ها بودند و هستند که خالق حماسه ۱۵ مهر شدند و کاری را که ارتش‌های عربی نتوانستند انجام دهند با رزمندگان از جان گذشته خود انجام دادند.

ادامه در صفحه ۶

اسرائیل منتظر غافلگیری جدید باشد

تازه اول ماجراست

یادداشت **مهدی بختیاری:** آنچه در نبرد توفان الاقصی رخ داد، از همان ابتدا با یک شوک بزرگ برای صهیونیست‌ها همراه بود؛ غافلگیری در برابر اقدامی که تا پیش از این، هیچگاه اسرائیل آن را - جز در نبردهای کلاسیک با ارتش‌های رسمی عرب در ۲ جنگ ۱۹۶۷ و ۱۹۷۳ - تجربه نکرده بود. این اتفاق حتی در جریان جنگ ۳۳ روزه با حزب‌الله لبنان در سال ۲۰۰۶ هم نیفتاد. یعنی ورود زمینی به سرزمین‌های اشغالی به طوری که نیروهای رزمنده مقاومت وارد شهرک‌ها و از آن مهم‌تر پایگاه‌های نظامی شوند و اشغالگران را در خانه و پایگاه خودشان بکشند یا اسیر کنند.

ورود زمینی به سرزمین‌های اشغالی و کشاندن نبرد به داخل اراضی اشغالی تحت سیطره رژیم اشغالگر، برای نخستین بار فلسطینی‌ها را از موضع دفاعی و واکنشی، در موضع آفندی و تهاجمی قرار داد.

پیش از این، در همه موارد نبرد در غزه در سال‌های ۲۰۰۸، ۲۰۱۲، ۲۰۱۴ و ۲۰۲۱ با یک وضعیت تدافعی و واکنشی از سوی مقاومت آن هم پس از حملات صهیونیست‌ها یا ترور فرماندهان مواجه بودیم اما این بار نیروهای مقاومت در وضعیت تهاجم قرار گرفتند و زمین نبرد نیز خارج از غزه و در سرزمین‌های اشغالی تعریف شد.

این برخلاف اصول پایه‌ای اسرائیل و دکترین بن گوریون است که در ۳ محور می‌گوید اسرائیل نباید در داخل سرزمین خود بجنگد و همیشه باید جنگ در بیرون از مرزها باشد، اسرائیل نباید وارد جنگ طولانی‌مدت شود بلکه جنگ باید به صورت برق‌آسا و ضربتی باشد و نهایتا اسرائیل باید از مولفه غافلگیری برای زدن دشمن استفاده کند. نبرد توفان الاقصی لااقل ۲ پایه این نظریه را از بین برد که نخستین آن جنگیدن با صهیونیست‌ها در داخل سرزمین‌های اشغالی بود و این، بویژه برای ساکنان این سرزمین‌ها بسیار ترسناک است. آنها اگر چه پیش از این تجربه حملات راکتی مقاومت را داشتند اما این نوع از وحشت جنگ را لااقل ۵ دهه است تجربه نکرده‌اند و چنین تجربه‌ای آخرین بار در جنگ عید کیپور در اکتبر ۱۹۷۳ بود.

اما دومین مولفه و شاید بتوان گفت اساسی‌ترین ویژگی نبرد توفان الاقصی که تبعات آن با پایان درگیری‌ها نیز یقه دولت مستقر صهیونیستی را رها نخواهد کرد، غافلگیری است.

رژیمی که پیش از این، همیشه با تکیه بر عنصر غافلگیری، دشمنانش را زمینگیر می‌کرد (جنگ ۶ روزه با ۳ ارتش بزرگ عربی در سال ۱۹۶۷ مهم‌ترین مصداق آن است) این بار به بدترین شکل ممکن اسیر غافلگیر شدن از سوی طرف مقابل شد و این «طرف مقابل»، نه ایران و نه حزب‌الله لبنان بلکه گروه‌های مقاومت فلسطینی با نقش‌آفرینی اصلی حماس بودند.

این غافلگیری، کابوس ۵۰ سال قبل را برای صهیونیست‌ها زنده کرد؛ با این تفاوت که برخلاف جنگ سال ۱۹۷۳ که دستگاه‌های اطلاعاتی اسرائیل توانسته بودند پیش از جنگ متوجه علائم آن شوند (بی‌توجهی سیاستمداران وقت موجب غافلگیری اسرائیل در جنگ یوم کیپور شد) اما این بار حتی همه دستگاه‌های عریض و طویل اطلاعاتی - امنیتی اسرائیل، از شاباک که مسؤولیت اصلی را برعهده داشت تا آمان (اطلاعات ارتش) نتوانسته بودند علائم وقوع این جنگ را تشخیص دهند.

این وضعیت وقتی برای صهیونیست‌ها بغرنج‌تر می‌شود که بدانیم طبق ارزیابی ارتش اسرائیل، حماس بیش از یک سال درگیر برنامه‌ریزی، هماهنگی و آموزش نیروهایش برای این عملیات بوده و در تمام این مدت هیچ‌کس در اسرائیل متوجه خطری به این بزرگی نشده است.

این وضعیت البته دلایل مختلفی می‌تواند داشته باشد که یکی از آنها اختلال شدید ۴۱ هفته‌ای در عرصه سیاسی، نظامی، امنیتی و اقتصادی اسرائیل است.

همان‌طور که از ماه‌ها قبل قابل پیش‌بینی بود، با روی کار آمدن نتانیاهو نه تنها چالش‌های اسرائیل کم نشد بلکه آنها درگیر یکی از کم‌سابقه‌ترین بحران‌های سیاسی در داخل نیز شدند.

ادامه در صفحه ۶

رهاورد عملیاتی که شروع آن همان پیروزی بود

پس شدنی است

دیدگاه **رضا باقری‌پور*:** تاریخ سیاست یعنی همین انقلاب‌ها، کودتاها، پیمان‌ها، گسستن‌ها، سقوط و ظهورها. اهل فکر و نظر وقتی درصدد پاسخی به چرایی رخداد هر یک از این پدیده‌ها هستند، اسباب سیاسی و اقتصادی و اجتماعی را شمارش می‌کنند. همواره ظرافتی مهم از خلال تحلیل‌هایی اینگونه از قلم می‌افتد که اخیرا بیشتر به آن توجه می‌شود؛ آن هم اینکه شاید مقدم‌ترین علت درافتادن یک طرح و رخداد، «شدنی» شدن آن است. بی هیچ استنادی می‌توان تا حد زیادی و بلکه کاملا تایید کرد لحظه طلایی رقم خوردن یک رخداد در تاریخ آن است که کنشگر دریابد «تصور» او، شدنی است.

کورزمن در ورای تمام تحلیل‌هایی که از ظهور انقلاب اسلامی ایران ارائه شده، نکته بدیهی‌ای روی میز مطالعه جهان می‌گذارد. او می‌گوید: «اگر مردم انتظار داشتند اعتراضات به شکست بینجامد، فقط پردل و جرأت‌ها یا احمق‌ها کمابیش در آن شرکت می‌کردند [که خب] با آن تعداد اندک اعتراضات راه دیگری جز شکست نداشت. تا وقتی انقلاب «تصورناپذیر» بماند ناممکن خواهد بود. چنین قیامی تنها وقتی می‌تواند آغاز شود که انبوهی از مردم شروع کنند به «تصور تصورناپذیر». (کورزمن، ۱۳۹۸، ۲۸۸)

■ **سازه‌ها ریخت، تصور بال گشود**

«بعضی سازه‌های اصلی حاکمیت رژیم غاصب ویران شد». این برآیندی از وضع خلق شده توسط عملیات توفان الاقصی به بیان حضرت امام خامنه‌ای در صبحگاه سه‌شنبه ۱۸ مهر در بازدیدشان از دانشگاه افسری امام علی علیه‌السلام است.

رژیم صهیونیستی به حق یا غصب به هر حال در نظام بین‌الملل یک دولت تلقی می‌شد. ارتشی نامدار داشت. صاحب سلاح اتمی بود. شهرت دستگاه اطلاعاتی‌اش عالمگیر بود. کشاورزی و شهرسازی‌اش جاذبه داشت. به یک بیان، سخت و استوار جلوه می‌کرد. این تصویر از دولت صهیونیستی ایجاد همسویی با پروژه انهدام اسرائیل در نظام بین‌الملل بویژه جهان اسلام از طرفی و از طرف دیگر موجه‌سازی هزینه‌های این پروژه در داخل کشور را در بعضی مواقع با چالش مواجه می‌کرد.

این پروژه باید به تمام شرکای بالقوه و یا حتی ناظران بی‌طرف که در دایره انقلاب تعریف نمی‌شوند، تفهیم می‌شد. تا قبل از ۱۵ مهر یا همان ۷ اکتبر، حذف اسرائیل یک گزاره ایدئولوژیک که نهایتا تامین‌کننده بخشی از منافع جمهوری اسلامی ایران است، تلقی می‌شد؛ موضوعی که شاید در ذهن بخشی از سیاسیون ایرانی، مقداری دور از ذهن به نظر می‌رسید. این همان سازه بین‌الاذهانی‌ای بود که رژیم صهیونیستی را سرپا نگه می‌داشت. این سازه‌ای که سخت و استوار می‌کرد، دیگر نیست. دود شد و به هوا رفت.

تصوری که از ۱۵ مهر ایجاد شده، جان یک دولت قدرتمند و سرپا را هم خواهد گرفت چه رسد به رژیمی که اساسا شرط حیات آن همین تصورناپذیری بود. فرامکین در سقوط دولت عثمانی بصیرتی شبیه به ظرافتی که کورزمن هم در ماجرای پیروزی انقلاب اسلامی دیده به خواننده می‌دهد. او در جایی از کتاب «صلحی که همه صلح‌ها را بر باد داد» می‌نویسد: «با این همه هر دو گروه [۲ گروه از تصمیم‌گیران در انگلیس] باور داشتند امپراتوری عثمانی فرومی‌پاشد و تکه‌های آن توسط دولت‌های اروپایی به یغما می‌رود. این فرض یعنی فروپاشی عثمانی، یکی از موتورهای محرک تاریخ شد». (فرامکین، ۱۳۸۸، ۲۶)

عثمانی را بیش از هر چیزی، همین تصور که دیگر به انتهای خط رسیده، به انتهای خط رساند.

اسرائیل می‌تواند به دشمنانش حمله سایبری کند، می‌تواند در تاسیسات دشمنانش خرابکاری کند، آتش‌سوزی ایجاد کند یا مثلا چندبار دیگر همین دست شورش‌ها نظیر زن، زندگی، آزادی را تکرار کند؛ در یک کلام همه شاید باور کنند این رژیم تا روزی که تاریخش به سر برسد می‌تواند کمی «اذیت» کند اما کمتر کنشگر عاقلی روی این دیوار دیگر یادگاری خواهد نوشت.

ادامه در صفحه ۶

مراحل بعدی عملیات توفان الاقصی

جنگ رسانه‌ای و حقوقی

نگاه **ثمانه اکوان:** مرحله اول عملیات توفان الاقصی، با توجه به ابعاد و گستردگی این عملیات و نتایج شگفت‌انگیزی که در ضربه زدن به اهداف و منافع رژیم صهیونیستی در سرزمین‌های اشغالی داشت، مرحله‌ای کاملا موفق و پیروزمندانه برای نیروهای مقاومت بود. نتیجه مثبت این عملیات برای نیروهای مقاومت، تثبیت و افزایش قدرت مقاومت است که در ذهن تمام دنیا حک شده است. اگر تاکنون از مردم غزه به عنوان مردمی یاد می‌شد که در برابر تجاوزگری‌های صهیونیست‌ها ایستادگی کرده اما همیشه آماج حملات نظامی هستند و قدرت و توان مقابله با این تهدیدات را ندارند، از این پس از آنها با عنوان مردمی یاد می‌شود که می‌توانند عملیات‌های انتقام‌جویانه انجام دهند و پیچیده‌ترین عملیات‌های نظامی را با سرعت و دقت زیادی به سرانجام برسانند. از این منظر است که این عملیات باعث به وجود آمدن بازدارندگی در مقابل دشمن صهیونیست می‌شود. توازن قوا و قدرت بازدارندگی قوی، یکی از اثرات بسیار مثبت این عملیات برای حماس و نیروهای مقاومت در فلسطین است. این در شرایطی است که رژیم صهیونیستی سعی داشت با پیشبرد مساله عادی‌سازی روابطش با کشورهای عرب منطقه، ضمن ایجاد بازدارندگی برای خود، بازدارندگی فلسطینیان را نیز دچار فروپاشی کند اما با عملیات نظامی حماس، این بازدارندگی به نفع جریان مقاومت رقم خورد و تا مدت‌ها نیز اثرات آن ادامه خواهد داشت.

پرداختن به تبعات این عملیات در فضای سیاسی رژیم صهیونیستی می‌تواند باعث تقویت اسناد درباره پیروزی مقاومت در این عملیات شود. در ۴۱ هفته گذشته، هر هفته روزهای شنبه تظاهرات وسیعی علیه نتانیاهو در سرزمین‌های اشغالی شکل می‌گرفت و شکاف سیاسی موجود بین بازیگران سیاسی این رژیم روزبه‌روز افزایش می‌یافت. هم اینک نیز غافلگیر شدن صهیونیست‌ها از این عملیات می‌تواند به پای نتانیاهو، ارتش یا نیروهای اطلاعاتی - امنیتی این رژیم نوشته شود و بعد از تمام شدن درگیری‌های نظامی، می‌تواند منجر به دعوایی عظیم در داخل سرزمین‌های اشغالی و چنددسته شدن نیروهای سیاسی شود. نتانیاهو پیش از این تلاش داشت با پیشبرد لایحه اصلاحات قضایی، از زیر بار فساد مالی خود و خانواده‌اش فرار کند اما باید دید آیا نیروهای سیاسی حاضر در سرزمین‌های اشغالی در این زمینه باز هم با نتانیاهو همراه می‌شوند یا اینکه او باید از عالم سیاست این بار به صورت جدی خداحافظی کند. در عین حال اگر قرار باشد کمیته‌ای برای بررسی این حادثه در داخل رژیم صهیونیستی تشکیل شود، مطمئنا می‌تواند مانند کمیته تشکیل شده برای بررسی دلایل شکست این رژیم در جنگ ۳۳ روزه، نتانیاهو یا دیگر مسؤولان دولتی را مقصر بداند و منجر به خروج او از صحنه سیاست رژیم صهیونیستی شود.

نتایج جنگ به صورت نظامی هر چه باشد، با تداوم آن ممکن است از ابعاد و حجم آنها کاسته شود. در اینجاست که جنگ روایت‌ها و رسانه‌ها به میدان می‌آید؛ میدانی که به دلیل ضعف رسانه‌ای کشورهای اسلامی، ممکن است این بار توسط صهیونیست‌ها و متحدان‌شان در غرب فتح شود.

مهم‌ترین رسالت رسانه‌های داخلی و برون‌مرزی و رسانه‌های جهان اسلام از این منظر، باید تلاش برای تبیین ابعاد این عملیات بزرگ، تأکید بر تاریخی بودن آن، همچنین توجه ویژه به ابعاد پیروزی فلسطین باشد. در واقع پیروزی در میدان نبرد باید با پیروزی در عرصه رسانه و دیپلماسی (به خصوص دیپلماسی عمومی) همراه باشد.

یکی از ابعاد پیروزی در جنگ رسانه‌ای، پیشبرد روایت در مجامع حقوقی است. به نظر می‌رسد از این پس صهیونیست‌ها در حال آماده شدن برای پیگیری این پرونده در مجامع حقوقی باشند، بنابراین مهم‌ترین اولویت در شرایط حاضر آغاز نبرد دیپلماتیک و حقوقی علیه رژیم صهیونیستی است.

ادامه در صفحه ۶